

Analysis of Imam Ali's (AS) Leadership in Confronting the Khawarij Based on the Theory of «Smart Power» (As a Comprehensive Model of Smart Leadership in Crisis)

Hamidreza Moniri 

Associate Professor of Islamic Revolution Studies, Department of Islamic Studies, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. h.moniri@umz.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2026 /1 /18 Revised: 2026 /4 /9 Accepted: 2026 /4 /14 Published Online: 2026 /4 /20	Imam Ali's (AS) confrontation with the Khawarij was a profound political, social, and ideological challenge in Islamic history, the analysis of which can inspire contemporary leaders in managing complex crises. The aim of this research is to analyze Imam Ali's (AS) leadership in confronting the Khawarij based on Joseph Nye's «smart power» theory (a purposeful combination of soft and hard power). The objectives of the research include explaining Imam Ali's (AS) behavioral pattern within the framework of smart power, identifying the components of soft and hard power used, evaluating the effectiveness of this approach in achieving security and ideological goals, and extracting practical lessons for managing ideological-security crises in the present era. The findings show that Imam Ali (AS) intelligently implemented a harmonious combination of hard power (such as decisive military action in the Battle of Nahrawan in response to terrorist violence) and soft power (including dialogue, debate, and explanation of intellectual deviations, inspirational leadership based on ethics, environmental intelligence in recognizing the social context, and flexible policies before conflict). This approach not only established the security of the society, but also severely weakened the ideological and popular legitimacy of the Khawarij. As a result, the theory of smart power in Imam Ali's (AS) leadership model presents a comprehensive model of smart leadership in crisis. Keywords: Khawarij, Imam Ali (AS), Intelligent Power, Joseph Nye, Leadership in Crisis.



دوره ۱۲ | شماره ۴۷ | بهار ۱۴۰۵

<https://doi.org/10.22034/jpti.2026.567949.1489>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

تحلیل راهبردهای امام علی (ع) در بحران خوارج: الگوی برای رهبری بحران

حمیدرضا منیری 

دانشیار گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه مازندران، گروه معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران..

h.moniri@umz.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	مواجهه امام علی (ع) با خوارج، یکی از چالش‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اعتقادی در تاریخ اسلام به شمار می‌رود که بررسی آن می‌تواند برای رهبران معاصر در مدیریت بحران‌های پیچیده الهام‌بخش باشد. سؤال محوری این پژوهش آن است که رهبری ایشان در مقابله با خوارج چگونه و بر اساس نظریه «قدرت هوشمند» جوزف نای - به مثابه ترکیبی هدفمند از قدرت نرم و قدرت سخت - قابل تحلیل است. اهداف این تحقیق شامل تبیین الگوی رفتاری امام در چهارچوب قدرت هوشمند، شناسایی مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت به کار گرفته شده، ارزیابی اثربخشی این رویکرد در تحقق اهداف امنیتی و اعتقادی و استخراج درس‌های کاربردی برای مدیریت بحران‌های ایدئولوژیک - امنیتی در عصر حاضر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام با درکی هوشمندانه، ترکیبی هماهنگ از قدرت سخت - مانند اقدام نظامی قاطع در نبرد نهروان در پاسخ به خشونت‌های تروریستی - و قدرت نرم - شامل گفتگو، مناظره و تبیین انحرافات فکری، رهبری الهام‌بخش مبتنی بر اخلاق، هوش محیطی در تشخیص بافت اجتماعی و سیاست‌های انعطاف‌پذیر پیش از درگیری - به کار گرفت. این رویکرد نه تنها امنیت جامعه را برقرار کرد، بلکه مشروعیت ایدئولوژیک و مردمی خوارج را نیز به شدت تضعیف نمود. نتیجه آنکه نظریه قدرت هوشمند در الگوی رهبری امام علی (ع) قابل انطباق و ارائه به عنوان الگوی جامع از رهبری هوشمند در بحران است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۱/۲۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۲۵	
انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۱/۳۱	
صفحات: ۱۳۷- ۱۶۱	
کلیدواژه‌ها: خوارج، امام علی (ع)، قدرت هوشمند، جوزف نای، رهبری در بحران.	

مقدمه

مواجهه امام علی^(ع) با خوارج در نیمه نخست قرن اول هجری، یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های
ت

اریخ اسلام به شمار می‌رود. این بحران فراتر از یک درگیری نظامی محدود بود و نمودی
از تقابل دو دیدگاه اساسی نسبت به حکومت، دین، عدالت و اخلاق سیاسی محسوب
می‌شد: از یک‌سو، رویکرد جامع‌نگر، عقلانی و اصولی امام؛ و از سوی دیگر، برداشت
ظاهرگرایانه، جزمی و افراطی خوارج از اسلام. در دنیای معاصر، رهبران و مدیران نیز با
بحران‌های چندبعدی مشابه روبرو هستند؛ مطالعه تاریخی این واقعه می‌تواند راهنمایی برای
مدیریت هوشمندانه بحران‌ها، در عین حفظ اصول، باشد. بحران خوارج ابعادی چندلایه
داشت: بعد اعتقادی: خوارج با شعار «لا حکم الا لله» و تفسیری انحصاری، دیگران را تکفیر
می‌کردند. بعد سیاسی: آن‌ها مشروعیت حکومت علوی و وحدت جامعه اسلامی را تهدید
می‌نمودند. بعد اجتماعی: تنوع ترکیب پیروان خوارج نشان‌دهنده ریشه‌دار بودن بحران بود.
بعد امنیتی: اقدامات تروریستی آنان، امنیت عمومی را مختل می‌کرد. ضرورت این تحقیق
در پر کردن خلأ مطالعات میان‌رشته‌ای بین تاریخ اسلام، علوم سیاسی و مدیریت راهبردی،
ارائه الگوی بومی و کاربردی برای مدیریت بحران‌های ایدئولوژیک و اجتماعی به رهبران
معاصر و نگاه جدید به یک واقعه تاریخی شناخته شده از منظر یک نظریه مدرن مدیریتی
نهفته است. اهمیت این پژوهش در این نکته است که با روشی توصیفی-تحلیلی در پی
بررسی دقیق سیره امام در قبال خوارج، قرار دادن آن در چهارچوب مفهومی قدرت هوشمند
و استخراج الگویی کاربردی برای رهبران معاصر است. این الگو می‌تواند راهنمایی برای
مدیریت بحران‌های مشابه باشد که در آن‌ها تقابل گفتمان‌ها، افراطی‌گری و تهدید امنیت
اجتماعی به‌طور هم‌زمان وجود دارند.

۱. پیشینه تحقیق

بررسی و تحلیل ابعاد مختلف حکمرانی و رهبری در اندیشه سیاسی اسلام، به‌ویژه با تکیه
بر نهج‌البلاغه و سیره امام، همواره مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان بوده است. در این
میان، مواجهه امام با خوارج به‌عنوان آزمونی بزرگ برای رهبری ایشان و مدیریت بحران‌های

داخلی، اهمیت ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، نظریه «قدرت هوشمند» جوزف نای، به عنوان رویکردی نوین در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان را جلب کرده است. با این حال، ترکیب این دو حوزه و تحلیل مدل رهبری امام در برخورد با خوارج بر اساس رویکرد قدرت هوشمند، موضوعی نو و کم‌کاویده به شمار می‌رود. هرچند برخی پژوهشگران بر محدودیت‌های نظریه جوزف نای در جوامع غیر لیبرال تأکید کرده‌اند، مطالعاتی مانند مقاله جعفری (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که قدرت هوشمند می‌تواند در بسترهای فرهنگی متفاوت، از جمله جهان اسلام، بازتعریف و بومی‌سازی شود. مقاله نبی‌لو که مهم‌ترین اثر در زمینه تحقیق حاضر است با عنوان «حکومت علوی؛ تجلی قدرت هوشمند متعالیه» (۱۳۹۸) به تحلیل سیره مدیریتی و حکومتی امام علی^(ع) با بهره‌گیری از نظریه نوین «قدرت هوشمند» می‌پردازد. نویسنده استدلال می‌کند که حکومت علوی صرفاً مبتنی بر زور و قدرت سخت (مانند جنگ و انضباط اجرایی) نبوده، بلکه تلفیقی هوشمندانه از این مؤلفه‌ها با قدرت نرم (مانند اخلاق‌مداری، عدالت‌محوری، اقناع عمومی و جذب قلوب مردم) است. این پژوهش تلاش می‌کند نشان دهد که این تلفیق در سیره علوی در قالبی متعالی و با هدف تقرب الهی و اجرای ارزش‌های دینی صورت گرفته است. در نهایت، مقاله به دنبال شناسایی و تبیین ابعاد و مصادیق این قدرت هوشمند در رویکردهای عملی و تصمیم‌گیری‌های حکومت علوی است تا الگویی جامع برای مدیریت اسلامی ارائه دهد؛ اما در حوزه مطالعات مربوط به رهبری امام در شرایط بحرانی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. برخی از این تحقیقات به تحلیل رویکرد امام در مواجهه با فتنه‌ها و انحرافات دوران خلافت ایشان پرداخته‌اند. نیک طبع (۱۳۹۱) در پژوهشی، رویکرد امام را در مواجهه با فتنه‌ها بررسی و بر مفاهیمی چون بصیرت، صبر، حکمت و قاطعیت تأکید کرده است. شریفانی (۱۳۹۶) نیز تصمیم‌گیری‌های استراتژیک امام را در برخورد با گروه‌های تندرویی چون خوارج تحلیل و عوامل موفقیت و چالش‌های ایشان را شناسایی کرده است.

پژوهش‌های اختصاصی‌تری نیز به مسئله خوارج و شیوه مدیریت این بحران از سوی امام علی^(ع) پرداخته‌اند. یکی از این مطالعات، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، مجموعه بیانات امام را از نبرد صفین تا پس از نهروان در ارتباط با جریان فکری خوارج بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امام برای مدیریت این جریان، اقدامات چندگانه‌ای از

جمله معرفی رهبران جبهه حق و باطل، تبیین اصل حکمیت و اتمام حجت با مخالفان را در دستور کار قرار داده بود. مهم ترین مقوله استخراج شده از این تحلیل، «معرفی جریان فکری خوارج» است که در قالب تبیین ویژگی های مثبت و منفی در کلام امام تجلی یافته است. رحمانی نیز در پژوهشی با عنوان «امام حسین (ع) و رهبری بحران از مکه تا کربلا»، ابعادی از مدیریت بحران در سیره امام حسین (ع) را واکاوی کرده است که می تواند برای فهم الگوی رهبری در شرایط بحرانی، زمینه های مقایسه ای مناسبی با سیره امام علی (ع) فراهم آورد. مرور پژوهش های موجود نشان می دهد که اگرچه مطالعات قابل توجهی درباره نظریه قدرت هوشمند از یک سو و رهبری امام به ویژه در مواجهه با خوارج از سوی دیگر انجام شده است، اما شکاف تحقیقاتی مهمی در تلفیق این دو حوزه وجود دارد. کمتر پژوهشی به طور نظام مند کوشیده است تا مدل رهبری امام در برابر خوارج را با استفاده از چهارچوب نظری قدرت هوشمند تحلیل کند. پژوهش حاضر درصدد است تا با پر کردن این خلأ، خوانشی نوین از سیره علوی در مدیریت بحران خوارج بر اساس مؤلفه های قدرت سخت و نرم ارائه دهد و ظرفیت های نظریه قدرت هوشمند را برای فهم بهتر این الگوی رهبری دینی به کار گیرد.

۲. مبانی مفهومی و نظری و روش تحقیق

چهارچوب نظری این تحلیل، نظریه «قدرت هوشمند» جوزف نای است که تلفیقی از «قدرت سخت» (ابزارهای قهری و نظامی) و «قدرت نرم» (ابزارهای اقناعی، فرهنگی و اخلاقی) را ارائه می دهد و بر استفاده متوازن و هوشمندانه از هر دو برای ایجاد تأثیرگذاری مؤثر تأکید دارد. مسئله اصلی این تحقیق این است: آیا می توان رویکرد چندبعدی امام در مدیریت بحران خوارج را در چهارچوب نظریه قدرت هوشمند تحلیل و تبیین کرد؟ به عبارت دیگر، آیا امام در مواجهه با این بحران پیچیده از ترکیبی هوشمندانه از ابزارهای نرم (مانند گفتگو، استدلال، صبر و عفو) و سخت (مانند مقابله نظامی نهایی) بهره برد و این ترکیب بر چه اصولی استوار بوده است؟

اهداف تفصیلی این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. تبیین تاریخی و تحلیلی بحران خوارج و پاسخ های مرحله ای امام علی (ع)؛

۲. تحلیل راهبردی مراحل مختلف برخورد امام از مدارا تا تقابل؛
 ۳. استخراج مؤلفه‌های قدرت نرم در رویکرد امام، از جمله استفاده از استدلال‌های کلامی، تأکید بر وحدت، عفو عمومی، صبر و تبیین دیدگاه‌ها از طریق خطبه‌ها؛
 ۴. استخراج مؤلفه‌های قدرت سخت، مانند آماده‌سازی نظامی و مقابله قاطع نهایی پس از اتمام حجت؛
 ۵. تحلیل تلفیقی و هوشمندانه این دو دسته ابزار و بررسی معیارها و ترتیب استفاده از آن‌ها، با اولویت دادن به قدرت نرم به‌عنوان رویکرد اصلی و قدرت سخت به‌عنوان آخرین راه‌حل؛
 ۶. ارائه الگوی نظام‌مند رهبری بحران برای مدیران امروزی؛
 ۷. بررسی امکان غنی‌سازی نظریه قدرت هوشمند با افزودن مبانی ارزشی و اخلاقی برگرفته از سیره علوی، مانند عدالت‌محوری و مسئولیت‌پذیری.
- این پژوهش با رویکردی کیفی و با هدفی بنیادی-کاربردی و در چهارچوب یک طرح پژوهش تطبیقی انجام می‌شود.
- روش اصلی این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و شامل منابع اولیه، همچون متون معتبر تاریخی و روایی مرتبط با واقعه نهروان (از جمله تاریخ طبری و به‌ویژه نهج‌البلاغه) و منابع ثانویه شامل آثار تحلیلی و نظری درباره این واقعه و نیز ادبیات مرتبط با مفهوم «قدرت هوشمند» و رهبری در بحران خواهد بود. فرایند تحلیل داده‌ها به‌صورت تلفیقی و در سه مرحله پیوسته و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار طراحی شده است:
- مرحله نخست، تحلیل تاریخی-اسنادی: در این مرحله با واکاوی مستندات اولیه و رعایت اصول نقد تاریخی، زمینه‌ها و ابعاد حادثه و نیز اقدامات امام بررسی می‌شود.
- مرحله دوم، مفهوم‌پردازی نظام‌مند: در این مرحله، مفاهیم کلیدی مرتبط با رهبری امام از منابع اولیه استخراج و تبیین می‌گردد. سپس مؤلفه‌های نظریه «قدرت هوشمند» به‌عنوان چهارچوب تحلیلی کمکی، با نگاهی انتقادی و بدون تحمیل پیش‌فرض‌ها، برای انسجام‌بخشی به مطالعه به کار گرفته می‌شود تا ظرفیت‌های الگوی بومی در غنابخشی به مبانی نظری موجود سنجیده شود.

مرحله نهایی، ترکیب و استنتاج: در این مرحله، یافته‌های دو مرحله پیشین تلفیق شده و الگوی رهبری هوشمند در بحران، مستخرج از سیره امام، استنتاج و تبیین می‌گردد. برای افزایش اعتبار و اطمینان‌پذیری تحلیل، راهبردهایی همچون وفاداری به مستندات معتبر، شفافیت روش‌شناختی، تبیین دقیق نقش چهارچوب نظری کمکی و تحلیل انتقادی به کار گرفته شده است. در نهایت، هدف این فرایند ارائه الگویی جامع، بومی و دینی از رهبری هوشمند در بحران است که هم پشتوانه تاریخی و نظری دارد و هم قابلیت تبدیل به راهکارهای عملیاتی در شرایط پیچیده را داراست.

۱-۲. واکاوی انتقادهای وارد بر الگوی رهبری امام علی (ع) در بحران با بهره‌گیری از چهارچوب نظری

جوزف نای

پاسخ به انتقادهای محتمل درباره بررسی الگوی رهبری امام علی (ع) بر اساس نظریه «قدرت هوشمند» جوزف نای، به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱-۲-۱. پاسخ به انتقادهای معرفت‌شناختی و مبنایی مدل رهبری امام بر اساس مدل قدرت هوشمند

الف) تفاوت در مبانی ارزشی و فلسفی: اگرچه مدل رهبری امام و مدل قدرت هوشمند نای در مبانی ارزشی و فلسفی تفاوت‌هایی دارند، اما این تفاوت‌ها لزوماً مانع از مقایسه و تحلیل آن‌ها نمی‌شوند. هدف از این مقایسه، یافتن نقاط اشتراک و افتراق و درک بهتر هر دو مدل است. می‌توان با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها و با استفاده از یک چهارچوب تحلیلی مناسب، به یک فهم عمیق‌تر از هر دو مدل دست یافت. به عنوان مثال، می‌توان نشان داد که چگونه ارزش‌های اخلاقی و عدالت‌محور در مدل رهبری امام می‌توانند به تعدیل و بهبود مدل قدرت هوشمند نای کمک کنند.

ب) تفاوت در اهداف و غایات: درست است که هدف اصلی در مدل رهبری امام تحقق عدالت و سعادت الهی است، درحالی‌که هدف اصلی در مدل قدرت هوشمند، حفظ و افزایش قدرت و نفوذ است. با این حال، این دو هدف لزوماً در تضاد با یکدیگر نیستند. می‌توان استدلال کرد که تحقق عدالت و سعادت الهی می‌تواند به افزایش قدرت و نفوذ یک کشور در عرصه بین‌المللی کمک کند. همچنین می‌توان نشان داد که چگونه استفاده از قدرت هوشمند می‌تواند به تحقق اهداف عدالت‌محور در داخل و خارج از کشور کمک کند.

ج) **خطر تحمیل چهارچوب‌های غربی:** برای جلوگیری از تحمیل چهارچوب‌های غربی، لازم است به ویژگی‌های منحصربه‌فرد و بومی مدل رهبری امام توجه شود و از تفسیرهای تقلیل‌گرایانه یا ساده‌سازی بیش از حد اجتناب گردد. با استفاده از منابع اسلامی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان، می‌توان یک چهارچوب تحلیلی بومی برای بررسی مدل رهبری امام ارائه کرد و سپس آن را با مدل قدرت هوشمند جوزف نای مقایسه نمود.

۲-۱-۲. پاسخ به انتقادهای روش‌شناختی مدل رهبری امام بر اساس مدل قدرت هوشمند

الف) **خطر تقلیل‌گرایی:** برای جلوگیری از تقلیل‌گرایی، باید به تمام جنبه‌های مهم و اساسی مدل رهبری امام توجه کرد و از نادیده گرفتن هیچ‌کدام از آن‌ها خودداری کرد. می‌توان با استفاده از یک روش تحقیق جامع و چندبعدی، تمام ابعاد مدل رهبری امام را بررسی کرد و سپس آن‌ها را با مدل قدرت هوشمند نای مقایسه کرد.

ب) **مشکل در انطباق مفاهیم:** در صورت عدم انطباق کامل مفاهیم و اصطلاحات، می‌توان به دنبال یافتن معادل‌های مناسب برای آن‌ها بود و با تعریف دقیق و روشن مفاهیم، از تفسیرهای نادرست و تحریف معنای اصلی جلوگیری کرد. به این منظور، می‌توان از روش تحلیل مفهومی بهره گرفت تا مفاهیم و اصطلاحات موجود در هر دو مدل به‌طور دقیق تعریف شوند و سپس مقایسه‌ای نظام‌مند میان آن‌ها انجام گیرد.

ج) **خطر گزینش‌گری:** برای جلوگیری از گزینش‌گری، می‌توان به‌طور آگاهانه و نظام‌مند به بررسی تمام جنبه‌های مدل رهبری امام پرداخت و از انتخاب گزینشی جنبه‌هایی که با مدل نای سازگارتر هستند، خودداری کرد. می‌توان با استفاده از یک روش تحقیق کیفی، تمام جنبه‌های مدل رهبری امام را بررسی کرد و سپس مدل نای را ارزیابی کرد. با در نظر گرفتن این پاسخ‌ها و با اتخاذ یک رویکرد دقیق، منصفانه و علمی، می‌توان یک تحلیل ارزشمند و روشنگرانه از مدل رهبری امام بر اساس مدل قدرت هوشمند جوزف نای ارائه داد و به غنای دانش در این زمینه کمک کرد. مهم است که در این تحلیل، به تفاوت‌ها و شباهت‌های بین دو مدل توجه شود و از تحمیل چهارچوب‌های غربی و تقلیل‌گرایی خودداری شود.

۲-۲. قدرت هوشمند از نگاه جوزف نای

جوزف نای، نظریه‌پرداز سرشناس روابط بین‌الملل، مفهوم «قدرت هوشمند»^۱ را ترکیبی استراتژیک از «قدرت سخت» (ابزارهای مانند نظامی یا اقتصادی) و «قدرت نرم» (جذابیت فرهنگی، ارزشی یا ایدئولوژیک) می‌داند. به باور او، قدرت هوشمند به کارگیری هم‌زمان این دو ابزار برای دستیابی به اهداف سیاسی در شرایط پیچیده جهانی است که بهینه‌سازی منابع قدرت را ممکن می‌سازد (نای، ۱۳۸۷، ص. ۱۳). نای ابتدا در سال ۱۹۹۰ مفهوم «قدرت نرم» را مطرح کرد و نشان داد اگر کشوری بخشی از منابع خود را به آموزش داخلی و اطلاع‌رسانی بین‌المللی اختصاص دهد، تأثیری فراتر از قدرت سخت خواهد داشت (Nye, 1990). او در کتاب *الترام* به رهبری توضیح می‌دهد چگونه آمریکا با ترکیب قدرت نظامی-اقتصادی و بهره‌گیری از قدرت نرم (مانند جذب افکار عمومی جهانی) به جایگاه برتر جهانی دست یافته است (Nye, 1990). سپس در کتاب *رهبری و قدرت هوشمند*، مفهوم «قدرت هوشمند» را معرفی می‌کند و بر اهمیت انتخاب زمان و شیوه مناسب برای استفاده از قدرت سخت یا نرم از سوی رهبران تأکید می‌نماید.

۲-۳. تعامل قدرت سخت و نرم

حکومت‌ها معمولاً از هر دو نوع قدرت بهره می‌برند: قدرت سخت بر توانمندی‌های ملموس مانند اقتصاد و ارتش استوار است، درحالی‌که قدرت نرم از جذابیت فرهنگ، ارزش‌های اخلاقی و دیپلماسی عمومی نشأت می‌گیرد (نای، ۱۳۸۷، ص. ۷۳). با این حال، میزان دسترسی به قدرت نرم در حوزه‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد؛ مثلاً یک حکومت در سیاست خارجی از قدرت نرم بهره ببرد، اما در مدیریت داخلی فاقد آن باشد (نای، ۱۳۸۷، ص. ۷۹). نکته کلیدی این است که هیچ‌یک از این دو قدرت بر دیگری برتری مطلق ندارد. موفقیت در گرو تشخیص صحیح شرایط و استفاده به‌موقع از هر کدام است. به‌عنوان مثال، قدرت نرم همیشه کارآمدتر نیست؛ گاهی اجرای یک تهدید نظامی (قدرت سخت) برای جلوگیری از جنگ ضروری است. از این رو، قدرت هوشمند به معنای به کارگیری هماهنگ این دو ابزار، با توجه به بستر و اهداف خاص، است (نای، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۵). پیوند قدرت سخت و نرم چالشی

اساسی برای رهبران است. اگر استفاده از یکی به دیگری آسیب برساند، حفظ تعادل دشوار می‌شود؛ زیرا این دو قدرت مکمل یکدیگرند؛ بنابراین رهبری موفق نیازمند درک عمیق از شرایط و انعطاف‌پذیری در انتخاب ابزار مناسب است تا بتواند اعتماد دیگران را جلب و اهداف را محقق سازد.

۲-۴. شرایط رهبری از منظر جوزف نای

جوزف نای در تحلیل خود، رهبران را بر اساس شیوه استفاده از قدرت به دو دسته اصلی تقسیم می‌کند: رهبران الهام بخش: این گروه عمدتاً از قدرت نرم (مانند جذابیت فرهنگی، ارزش‌ها و ایده‌ها) بهره می‌برند. آن‌ها مردم را به سمت اهداف جمعی هدایت می‌کنند، حتی اگر این مسیر با منافع شخصی افراد در تضاد باشد. رهبران تراکنشی عمدتاً بر قدرت سخت تکیه می‌کنند (مانند ابزارهای اقتصادی یا نظامی) و جامعه را بر اساس منافع فردی هدایت می‌کنند، نه منافع جمعی (نای، ۱۳۸۷، صص. ۱۳۴-۱۲۷). نای همچنین تأکید می‌کند که محیط نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب سبک رهبری اثربخش دارد (نای، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۶). برای نمونه، در شرایط بحران یا ناآرامی‌های اجتماعی، ممکن است کاربست قدرت سخت ضروری جلوه کند، حال آنکه در بسترهای فرهنگی یا اجتماعی، قدرت نرم اثربخشی بیشتری دارد. وظایف اصلی رهبران از نگاه نای عبارتند از: ۱. ترسیم و تبیین اهداف: روشن کردن مسیر و چگونگی دستیابی به اهداف؛ ۲. تقویت همبستگی و هویت گروه: ایجاد انسجام و تقویت حس تعلق اعضا به جمع؛ ۳. فرماندهی و بسیج منابع: سازمان‌دهی و هدایت گروه برای حرکت به سمت اهداف تعیین شده (نای، ۱۳۸۷، ص. ۵۱).

۲-۵. مهارت‌های ضروری رهبری از منظر جوزف نای

مهارت‌های لازم از منظر جوزف نای برای به کارگیری قدرت نرم که رهبران با توسل به آن‌ها بر دیگران تأثیر می‌گذارند، عبارتند از: الف) هوش احساسی، ب) ارتباطات، ج) چشم‌انداز. همچنین مهارت‌های مهم در بهره‌گیری از قدرت سخت عبارتند از: الف) مهارت‌های سازمانی، ب) مهارت‌های سیاسی.

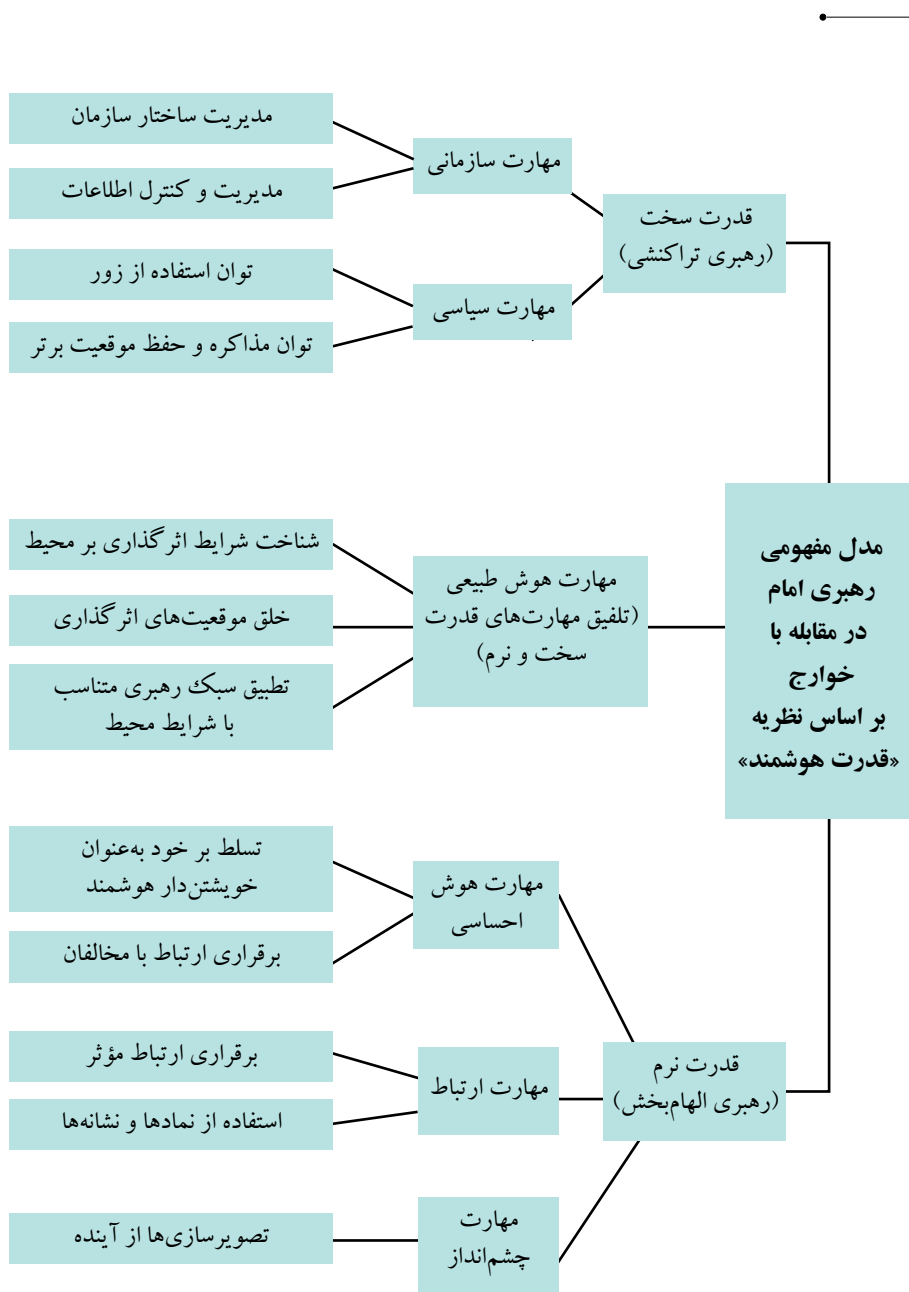
هوش احساسی، جهت انتقال علایق و ارزش‌های رهبران به دیگران (اعم از پیروان و سایر افراد) به هدف جذب آن‌ها، تحت تأثیر دو مؤلفه «تسلط بر خود» و «برقراری ارتباط با

دیگران» است. رهبران با بهره‌گیری از هوش احساسی می‌توانند ویژگی کاریزمای خود را در محیط‌های گوناگون کنترل نمایند.

منظور از «مهارت ارتباطات رهبران»، توانایی برقراری ارتباط بهینه با مردم از طریق سخن گفتن و روش‌های غیرکلامی است. فنون سخنوری، زبان بدن و بهره‌گیری از نشانه‌ها و نمادها در برقراری ارتباط با دیگران از این قبیل‌اند.

مراد از «مهارت چشم‌انداز در رهبران»، توانایی ارائه وقایع به گونه‌ای است که برای افراد جامعه امیدبخش باشد. مهارت چشم‌انداز در رهبران، جهت ایجاد اهداف یکدست در مخاطبان، بسیار تسهیل‌کننده رهبری است؛ زیرا رهبر می‌تواند با ترسیم چشم‌انداز امیدوارکننده، وضعیت فعلی را به سمت تغییر هدایت کند؛ بنابراین حدود و ثغور چشم‌انداز یک رهبر بستگی به نوع رهبری او دارد، چه الهام‌بخش باشد و چه تراکنشی.

جوزف نای، «مهارت‌های سازمانی و سیاسی» را بخشی از سبک رهبری تراکنشی (اعمال قدرت سخت) می‌داند. «مهارت سازمانی» شامل توان مدیریت ساختاری سازمان، نحوه گردش اطلاعات در سازمان و سیستم پاداش‌دهی (اعم از پاداش‌ها، تنبیه‌ها و محرومیت از پاداش‌ها) است. «مهارت سیاسی رهبران» نیز به میزان توانایی رهبران در بهره‌گیری از زور، اجبار و «چانه‌زنی» در راستای حفظ موقعیت خود اشاره دارد. رهبران می‌توانند با سازمان‌دهی دقیق این سیستم‌ها، محیط مطلوب پیرامون خود را ایجاد کنند. در نهایت، نای به مهارت جامعی اشاره می‌کند که ترکیبی از مهارت‌های پیش‌گفته است و آن را «هوش محیطی» می‌نامد. به این معنا که رهبر، اگر بتواند شرایط تأثیرگذار بر محیط را شناسایی کرده، فرصت اثرگذاری را خلق کند و نوع رهبری خود را با نیازهای افراد سازمان تطبیق دهد، از هوش محیطی (همان‌شم سیاسی) برخوردار خواهد بود (نای، ۱۳۸۷، صص. ۱۶۰-۱۳۷)؛ بنابراین قدرت از منظر جوزف نای به معنای به دست آوردن نتایج مطلوب در همه موارد نیست، بلکه شرط تبدیل مؤلفه‌ها به قدرت محسوس (کسب نتایج مطلوب)، به کارگیری بهترین راهبردها و هوشمندانه‌ترین مدیریت‌هاست که به آن «قدرت هوشمند» گفته می‌شود (نای، ۱۳۹۳، ص. ۳۰). در این پژوهش، بر اساس نظریه قدرت هوشمند جوزف نای، نقش رهبری امام در قبال خوارج با لحاظ کردن مؤلفه‌های قدرت هوشمند بررسی می‌شود.



مدل مفهومی رهبری امام در مقابله با خوارج بر اساس نظریه «قدرت هوشمند»

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. زمینه‌شناسی تاریخی بحران خوارج

خوارج به عنوان نخستین جریان تکفیری در تاریخ اسلام، در پی اختلافات سیاسی و کلامی پس از نبرد صفین (سال ۳۷ هجری قمری) و ماجرای حکمت میان امام علی^(ع) و معاویه پدید آمد. این گروه با شعار «لا حکم الا لله» و با تفسیری خشک و ظاهری از متون دینی، نه تنها فرایند حکمت، بلکه طرفین درگیر در آن را تکفیر کردند (فخری، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۱). زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، از جمله نارضایتی عرب‌های بدوی از سیاست‌های مرکزیت خلافت و توزیع ناعادلانه ثروت، همراه با برداشت‌های افراطی از مفاهیمی مانند «امر به معروف و نهی از منکر»، به تشدید این بحران دامن زد (اسفندیاری، ۱۳۷۴، ص. ۷۵).

از نظر فکری و اعتقادی، خوارج در اجرای احکام اسلامی سخت‌گیر و متعصب بودند و کوچک‌ترین تخلف را گناه کبیره می‌دانستند (مدرسی، ۱۳۷۲، ص. ۸۶). آنان هر مسلمانی را که مرتکب گناه کبیره می‌شد، کافر و خارج از اسلام می‌پنداشتند (حسنی، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۶) و حتی خلفایی چون علی^(ع) و عثمان را به دلیل برخی تصمیماتشان تکفیر می‌کردند (حسنی، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۱). مبانی اعتقادی آنان بر تفسیر تحت‌اللفظی قرآن استوار بود و از تأویل و تفسیر عمیق پرهیز داشتند (صفری فروشانی، ۱۳۷۸، ص. ۲۸۷). آنان مخالف هر حکومتی بودند که به عقیده آنان از اسلام راستین فاصله گرفته بود و معتقد به قیام مسلحانه علیه چنین حکومت‌هایی بودند (اسفندیاری، ۱۳۷۴، ص. ۷۵). از نظر عملی، خوارج پس از ماجرای حکمت از امام جدا شدند و در نهروان با او به جنگ پرداختند (فخری، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۳).

آنان به ترورهای سیاسی روی آوردند که اوج آن شهادت امام به دست ابن ملجم بود و بعدها چهره‌هایی مانند معاویه و عمروعاص را نیز هدف قرار دادند. فعالیت‌های تفرقه‌انگیز و خشونت‌آمیز آنان، وحدت مسلمانان در قرون اولیه اسلامی را تضعیف کرد. در مجموع، خوارج اگرچه با انگیزه‌های اصلاح‌طلبانه نخستین شکل گرفتند، اما به دلیل افراط‌گرایی، تکفیر گسترده دیگران و خشونت، به جریانی بحران‌ساز تبدیل شدند. پیامدهای اقدامات آنان، از جمله ترور امام و بروز درگیری‌های داخلی طولانی، تأثیری عمیق بر تاریخ سیاسی و کلامی اسلام گذاشت و برخی از الگوهای فکری و عملی آنان بعدها در گروه‌های تکفیری متأخر بازتولید شد.

۲-۳. رهبری تراکنشی (قدرت سخت) امام علی در قبال خوارج

ویژگی‌ها و مؤلفه‌های قدرت سخت در تعاریف قدیمی‌تر عبارتند از کاربرد قدرت برای وادار ساختن دیگران است به آنچه ما می‌خواهیم به نحوی که اگر به کار گرفته نشوند، دیگر بازیگران با تهدید و امتیاز آن را انجام نمی‌دهند (محمدی، ۱۴۰۰، ص. ۵۱). اما در تعاریف جدید، مفهوم قدرت سخت، صرفاً به جنبه فیزیکی رفتار یا بهره گرفتن از قدرت نظامی، مرتبط نیست؛ بلکه جنبه‌های دیگر از قدرت همانند توییح کردن و پاداش دادن را هم شامل می‌شود (بابایی و غفاری هاشجین، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۳). براین اساس، در این پژوهش مراد از قدرت سخت رهبری امام در مواجهه با خوارج در نهروان، صرفاً قدرت نظامی در زمان جنگ نظامی نیست بلکه به اعمال قدرت سخت از سوی ایشان در زمان غیر جنگی هم پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه جوزف نای «مهارت‌های سازمانی و سیاسی» را سبک رهبری تراکنشی (اعمال قدرت سخت) می‌داند؛ بنابراین رهبر می‌بایست «مهارت‌های سازمانی» و «مهارت‌های سیاسی» را اعمال کند. بررسی مواضع امام علی^(ع) در سال‌های زعامت ایشان که با چالش‌های پررنگ خوارج همراه بود، نشان می‌دهد که آن حضرت در مواجهه با آنان از این مهارت‌ها بهره گرفته‌اند.

۳-۳. اعمال مهارت سازمانی نسبت به خوارج

حضرت در به‌کارگیری مهارت‌های سازمانی در مواجهه با خوارج، از مدیریت ساختار سازمانی و مهارت‌های سازمانی بهره گرفت که در ادامه به تفصیل تبیین می‌شود.

۱-۳-۳. مدیریت ساختار سازمانی

مواضع و بیانات امام علی نشان می‌دهد، ایشان در مقام یک رهبر و عالی‌ترین مقام نظام اسلامی، مدیریت سازمانی خود را در مواجهه با خوارج با اعلام مواضع رسمی نسبت به آن‌ها به نمایش گذاشت. مواضع رسمی امام در برابر خوارج در بیانات و مواضع متعددی آشکار است. ایشان همواره با خروج بر حکومت و ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی مخالف بودند، چراکه معتقد بودند خروج بر حاکم عادل موجب هرج و مرج، ناامنی و تضعیف اسلام می‌شود (زین، ۱۳۸۹، ص. ۶۸). ازاین‌رو، در ابتدا تلاش کردند تا با نصیحت و ارشاد، خوارج را از این عمل بازدارند و آنان را به اطاعت از حکومت دعوت کنند. پس از واقعه حکمیت و

خروج قطعی خوارج، امام تلاش فراوانی برای بازگرداندن آنان به مسیر حق انجام دادند و بارها با ایشان به گفتگو نشستند تا با استدلال و منطق، آنان را از عقاید باطلشان منصرف کنند (مدرسی، ۱۳۷۲، ص. ۸۷). حتی عبدالله بن عباس را به عنوان نماینده خود برای مذاکره فرستادند و به او تأکید کردند که با نرمی و مدارا و با استناد به آیات قرآن و سنت پیامبر (ص)، حقانیت را برای خوارج تبیین کند.

یکی از محوری ترین مواضع امام، تأکید بر لزوم اطاعت از امام عادل بود؛ ایشان این اطاعت را واجب شرعی می دانستند و تخلف از آن را موجب خروج از دین قلمداد می کردند (فرمانیان، ۱۳۸۷، ص. ۴۶) و به خوارج یادآوری می نمودند که با خروج بر حکومت ایشان، در واقع از دستور خدا و پیامبر سرپیچی کرده اند. همچنین امام به خوارج هشدار می دادند که تفسیر نادرست و ظاهربینانه از دین، بدون توجه به معانی باطنی و مقاصد شریعت، موجب گمراهی خود و دیگران می شود (حسنی، ۱۳۷۹، ص. ۶۸) و به آنان توصیه می کردند برای فهم صحیح دین به علمای ربانی مراجعه نمایند. در نهایت، امام همواره با خشونت و خونریزی مخالف بودند و تا آخرین لحظه برای جلوگیری از درگیری می کوشیدند (فخری، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۳). حتی در آستانه جنگ نهروان، با نصیحت و ارشاد سعی در منصرف کردن خوارج داشتند و به لشکریان خود دستور دادند تا زمانی که خوارج آغازگر جنگ نشده اند، به آنان حمله نکنند.

۲-۳-۳. مدیریت و کنترل اطلاعات

مدیریت و کنترل اطلاعات از سوی امام علی (ع) با اقدامات زیر صورت می گرفت:

الف) افشای اطلاعات ایدئولوژیکی و فعالیت های پنهانی خوارج

امام در مواجهه با گروه خوارج، از افشای اطلاعات، ایدئولوژی و اقدامات این گروه به عنوان ابزاری راهبردی در چهارچوب قدرت هوشمند بهره گرفت. ایشان علاوه بر استفاده از قدرت نظامی برای مقابله با خوارج، به طور سیستماتیک به افشای فعالیت های مخرب و انحراف آمیز این گروه پرداخت. این افشاسازی ها با هدف سلب مشروعیت، کاهش نفوذ اجتماعی و خنثی سازی تهدیدات امنیتی خوارج انجام می شد. ابزارهای اصلی انتقال اطلاعات و افشاسازی در رهبری ایشان شامل خطبه ها و سخنرانی های عمومی، مکاتبات و نامه ها به فرمانداران و کارگزاران حکومتی و همچنین مناظرات و گفتگوهای مستقیم با سران خوارج بود.

در شیوه‌های افشاسازی، امام ابتدا به افشای انحراف ایدئولوژیک خوارج می‌پرداخت. ایشان در سخنان خود، این گروه را به تحریف مفاهیم اسلامی و ارائه تفسیرهای سطحی و افراطی از قرآن متهم می‌کرد و تأکید داشت که تکفیر مسلمانان و خشونت‌ورزی آنان با روح اسلام ناب محمدی در تضاد است. امام از طریق ارسال نامه‌ها و اعزام مبلغان آگاه، به روشنگری درباره تفسیرهای انحرافی خوارج از مفاهیمی چون جهاد و حکومت اسلامی اقدام می‌نمود (جعفری، ۱۳۸۰، ص. ۱۱۹). دومین محور، افشای خشونت و تروریسم بود؛ ایشان قتل‌های فله‌ای و ترورهای خوارج را محکوم می‌کرد و در خطبه‌های خود، مردم را از خطر این گروه آگاه می‌ساخت. به عنوان مثال، پس از شهادت برخی از یاران امام به دست عوامل خوارج، ایشان در یک سخنرانی عمومی به رسوایی جنایات آنان پرداخت (فخری، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۳). سومین وجه، افشای نفاق و پنهان‌کاری خوارج بود. امام بارها بر دورویی و فریبکاری این گروه تأکید کرده و آنان را جمعیتی خواند که در ظاهر عابد، اما در باطن اهل فتنه و تفرقه‌اند (بیضون، ۱۴۱۱، ص. ۱۹). این افشاگری‌ها باعث شد عنوان «خوارج» به سرعت در گفتمان عمومی به نماد تندروی و افراط‌گرایی مناقه تبدیل شود.

ب) افشای اطلاعات از فعالیت‌ها و قدرت حکومت

امام علی^(ع)، به عنوان الگویی از حکمرانی عدالت‌محور، در مقابله همه‌جانبه با گروه خوارج، استراتژی ترکیبی از اقدامات امنیتی، روانی و رسانه‌ای را با بهره‌گیری از ابزارهای مدیریت اطلاعات، شامل افشاسازی، اطلاع‌رسانی هدفمند و کنترل جریان اخبار به کار گرفت. این رویکرد با نمایش اقتدار نظام اسلامی آغاز می‌شد؛ به‌طوری‌که امام با انتشار گزارش‌های مستند از عملیات نظامی مانند نبرد نهروان و اقدامات امنیتی، هم‌زمان سه هدف را دنبال می‌کرد: تقویت اعتماد عمومی، افزایش روحیه نیروهای خودی و ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات آینده. افشاسازی‌ها همچنین کارکرد روانی مهمی داشت و با شکستن ابهت دروغین خوارج، به مقابله با تبلیغات آنان می‌پرداخت. در خشی‌سازی توطئه‌ها نیز شفاف‌سازی محور اصلی بود؛ نهادهای امنیتی تحت فرمان امام، بلافاصله پس از کشف توطئه‌هایی مانند برنامه‌ریزی برای ترور، جزئیات عملیات متقابل را از طریق خطبه‌های عمومی و شبکه‌های ارتباطی آن دوره منتشر می‌کردند. این رویکرد هم از انتشار شایعات پیشگیری می‌کرد و هم

مردم را به مشارکت در گزارش‌دهی فعالیت‌های مشکوک ترغیب می‌نمود. امام با افشای چهره واقعی خوارج و بیان جزئیات جنایات آنان، مانند کشتار غیرنظامیان و مثله کردن مخالفان، ادعای «اخلاص دینی» آنان را زیر سؤال می‌برد؛ چنان‌که منابع تاریخی به مواردی مانند سوزاندن خانه‌های بی‌گناهان تصریح کرده‌اند (معصومی جشنی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۱). این افشاگری‌ها به تفکیک خوارج از جریان اصلی مسلمانان کمک کرده و پایگاه اجتماعی آنان را تحلیل برد. همچنین شفاف‌سازی روابط پنهان از طریق رسانه‌ای کردن اعترافات اعضای خوارج انجام می‌گرفت که هدف اصلی آن آگاهی‌بخشی به توده‌های ناآگاه تحت تأثیر شعارهای فریبنده بود (حسنی، ۱۳۷۹، ص. ۳۱۶). نمایش توان دفاعی نظام نیز از طریق انتشار گزارش‌های میدانی از تخریب پایگاه‌های خوارج یا آزادسازی مناطق اشغالی، همراه با ذکر آمار و نقشه‌ها صورت می‌پذیرفت؛ اقدامی که هراس روانی در صفوف خوارج ایجاد می‌کرد و امنیت روانی شهروندان را تقویت می‌نمود (مدرسی، ۱۳۷۲، ص. ۸۷).

۳-۳-۳. استفاده از مهارت سیاسی

مهارت سیاسی به‌عنوان توانایی بهره‌گیری از اجبار یا چانه‌زنی در قبال افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها به‌منظور حفظ جایگاه برتر رهبر تعریف می‌شود. امام علی (ع) در مواجهه با گروه خوارج نمونه‌ای بارز از کاربرد این مهارت ارائه نمود. ایشان با درک عمیق از بافت اجتماعی-ایدئولوژیک جامعه و خطر وجودی خوارج برای حکومت اسلامی، به‌صورت هدفمند و موقعیت‌محور از طیفی از ابزارها، شامل اجبار و انعطاف‌پذیری، بهره برد. از یک‌سو، با شناخت ماهیت تهدیدآمیز و شورش‌گرایانه خوارج، به اعمال قدرت سخت و قاطع روی آورد. پس از شورش‌های گسترده، ایشان فرمان مقابله نظامی صادر کرده و با عملیات علیه پایگاه‌های خوارج و دستگیری اعضای فعال، فشار نظامی و امنیتی اعمال نمود (زین، ۱۳۸۹، ص. ۶۵). هم‌زمان، با تأکید بر قوانین اسلامی و عدالت، این برخوردها را در چهارچوب شرعی تبیین کرد تا مشروعیت اقدامات حکومت حفظ شود. از سوی دیگر، امام روش مذاکره و گفتگو را نیز برای حفظ موقعیت برتر و تفوق خواسته‌های خود به کار گرفت. اگرچه ایشان به دلیل غیرقابل اعتماد دانستن خوارج، چانه‌زنی کلاسیک را راهکار کاملی نمی‌دانست، اما با اقداماتی مانند تلاش برای کاهش تنش در ماه‌های اول حکومت و

عفو اعضایی که جرمی مرتکب نشده بودند، نوعی انعطاف و ارائه امتیازات محدود برای مهار بحران به نمایش گذاشت. با این حال، جمودگرایی خوارج مانع از توفیق این تلاش‌های مسالمت‌آمیز شد (مدرسی، ۱۳۷۲، ص. ۸۶)؛ بنابراین رویکرد امام توفیقی حساب‌شده از اقتدار قاطع در مقابله با آشوب و انعطاف هوشمندانه برای جذب عناصر قابل اصلاح بود.

۴-۳-۳. قدرت نرم (رهبری الهام‌بخش) در رهبری امام علی

جوزف نای سبک رهبری الهام‌بخش را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تأثیرگذاری بر افراد و جوامع معرفی می‌کند. این سبک رهبری مبتنی بر توانایی رهبر در جذب، ترغیب و ایجاد تعهد داوطلبانه در پیروان است، بدون آنکه از ابزارهای زور یا پاداش‌های مادی استفاده کند (نای، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۰)؛ بر این اساس، اعمال قدرت نرم در رهبری امام علی نسبت به خوارج، به معنی بهره‌گرفتن از همه ابزارهایی است که بتوان به کمک آن‌ها اعضای جامعه را به‌سوی ارزش‌ها و اهداف الهی و عدالت‌محور هدایت کرد.

بررسی مواضع و بیانات امام علی^(ع) در دوران حکومت و پس از آن نشان می‌دهد که این خط‌مشی در برخورد با خوارج به کار گرفته شده است. ایشان ابتدا با تکیه بر استدلال‌های منطقی، اخلاقی و دینی، تلاش می‌کردند خوارج را هدایت کرده و آنان را به مسیر حق بازگردانند. این رویکرد، نمونه‌ای بارز از قدرت نرم در رهبری امام علی است که حتی در مواجهه با مخالفان سرسخت نیز به کار گرفته شد (مدرسی، ۱۳۷۲، ص. ۸۶).

۵-۳-۳. بهره‌برداری از مهارت هوش احساسی

هوش احساسی به معنای توانایی شناخت، مدیریت و تأثیرگذاری بر احساسات خود و دیگران است، مهارتی که برای موفقیت در رهبری، دیپلماسی و جلب حمایت مخاطبان ضروری محسوب می‌شود. امام از هوش احساسی در موارد ذیل استفاده نمود:

الف) تسلط بر خود به‌عنوان خویشتن‌دار هوشمند

امام علی^(ع) در مواجهه با خوارج، تسلط بر خود را به‌عنوان بخشی از استراتژی رهبری مبتنی بر تعادل، آینده‌نگری و کنترل هیجانات جمعی به کار گرفت. این تسلط که در قالب خویشتن‌داری استراتژیک و مدیریت هوشمندانه بحران تجلی یافت، نقشی کلیدی در حفظ

ثبات حکومت اسلامی ایفا کرد. ایشان در شرایط بحرانی پس از جنگ صفین، با وجود فشارهای داخلی و فتنه‌انگیزی‌های خوارج، از واکنش‌های تند احساسی پرهیز کرده و بر برنامه‌ریزی بلندمدت و استفاده حساب‌شده از ابزارهای قدرت تمرکز داشت. پس از شورش‌ها و ترورهای خوارج، امام باوجود خشم عمومی، بر حفظ وحدت و پرهیز از انتقام‌جویی کورکورانه تأکید نموده و نهادهای حکومتی را به پاسخگویی عادلانه و مبتنی بر شرع ملزم ساخت (نوبختی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹). ابعاد این تسلط در رهبری امام شامل کنترل گفتمان عمومی از طریق خطبه‌ها برای هدایت هیجانات جامعه به‌سوی تقویت مقاومت و افشای ماهیت انحرافی خوارج بود، بدون آنکه به نفرت‌پراکنی بی‌هدف متوسل شود. همچنین با اجتناب از افراط در قدرت سخت، امام از تبدیل مقابله به کشتار گسترده غیرقانونی یا تعرض به غیرنظامیان جلوگیری کرد و اقدامات نظامی را مبتنی بر موازین شرعی و هدف‌گیری سران فتنه قرار داد. ایشان خشم عمومی پس از هر شورش را با تأکید بر حق‌مداری و پایداری در مسیر عدالت، به انرژی مثبت برای حفظ حکومت اسلامی تبدیل می‌کرد و در مواجهه با انتقادات و فشارهای سیاسی، با ثبات عقیدتی و تسلط بر واکنش‌ها، سیاست‌های داخلی را تابع خواست‌های خارجی نمی‌ساخت.

ب) برقراری ارتباط با خوارج به‌مثابه یک سازمان مخالف

امام علی (ع) در برقراری ارتباط با خوارج به‌عنوان یک گروه مخالف، آنان را به‌گونه‌ای مخاطب قرار می‌داد که خود را مورد خطاب بیانات ایشان بدانند و تحت تأثیر سخنان وی قرار گیرند، یا چهره سران این گروه نزد مردم و هوادارانشان به چالش کشیده شود. ایشان در مواجهه با خوارج، به‌طور صریح و ضمنی به سران این گروه اشاره کرده و مواضع قاطعی اتخاذ می‌کرد و با به‌کارگیری اصطلاحات خاص، خطاب‌های مستقیم در سخنرانی‌ها و تصمیمات قضایی-امنیتی، رهبری و اعضای این گروه را هدف قرار می‌داد. ایشان خوارج را به‌طور رسمی و مکرر «منحرفین» خطاب می‌کرد که هدف از آن مشروعیت‌زدایی ایدئولوژیک از این گروه و رهبری آن بود. در پیام‌ها و بیانات متعدد، امام تأکید داشت که منحرفین دشمنان اسلام و مردم هستند و با نام اسلام علیه اسلام قیام می‌کنند (حسنی، ۱۳۷۹، ص. ۵۳). همچنین ایشان در مقام رهبری شرعی و قانونی، حکم مقابله با سران خوارج را صادر کرد

و بر ضرورت برخورد قاطع با آنان تأکید داشت. علاوه بر این، گاهی بدون نام بردن مستقیم از افراد، با عباراتی مانند «سرکردگان گمراهان» رهبری خوارج را مورد خطاب قرار می داد.

۳-۳-۶. استفاده از مهارت ارتباطات

مهارت ارتباطات به معنای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان از طریق بیانات و ابزارهای مرتبط است که مصادیق آن شامل نحوه سخن گفتن، زبان بدن، به کارگیری نمادها و استفاده بهینه از فضاهای ویژه است. امام در تقابل با خوارج نمونه ای بارز از به کارگیری هوشمندانه این مهارت ارائه نمود. ایشان با ترکیبی از سخنوری مؤثر، زبان بدن نمادین و بهره برداری از فضاهای خاص، توانست ارتباطی کارآمد حتی با مخالفان خود برقرار کند. یکی از راهبردهای ایشان تکیه بر احساسات مذهبی مردم بود؛ به طوری که در سخنرانی ها اقدامات خوارج را «فته» و «آزمون الهی» خوانده و با عباراتی همچون «حق پایمال نمی شود»، خشم عمومی را به سمت مقاومت هدایت می کرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۰). همچنین امام حتی در بحرانی ترین شرایط با وقار و آرامش ظاهر می شدند و این رفتار غیرکلامی حس اطمینان و کنترل را به جامعه منتقل می کرد. ایشان از تضادهای نمادین نیز بهره می گرفت و خوارج را «گمراهان» می نامید، در حالی که حکومت عدل را «سایه رحمت الهی» می دانست که ریشه در ایمان مردم داشت. بهره برداری از فضاهای خاص مانند مساجد و مکان های مقدس برای ایراد خطبه ها نیز به دلیل قداست این مکان ها، تأثیر عمیقی بر افکار عمومی بر جای می گذاشت. افزون بر این، امام از فضاهای رسانه ای رایج زمانه، مانند خطبه های عمومی، برای انتقال پیام های خود به شکل گسترده استفاده می کرد. در نهایت، با ترکیب سخنوری حکیمانه، زبان بدن نمادین، کاربرد هوشمندانه نمادها و بهره گیری از فضاهای مقدس و مردمی، ایشان الگویی کلاسیک از رهبری ارائه داد که در آن ارتباطات غیرکلامی و نمادگرایی نقش حیاتی در شکل دهی به افکار عمومی ایفا می کنند.

۳-۳-۷. استفاده از مهارت چشم انداز

منظور از استفاده از «چشم انداز»، مهارت ارائه تصویری الهام بخش از وضعیت برای مخاطبان است که به رهبر امکان می دهد وضعیت فعلی را به سمت تغییر سوق دهد. وسعت و ابعاد چشم اندازی که یک رهبر ترسیم می کند، به چگونگی رهبری او، اعم از الهام بخش یا

تراکشی، وابسته است. امام در تقابل با خوارج، به طور مستمر از تصویرسازی منفی از آنان با هدف برجسته سازی ارزش های اسلامی و اندیشه های خویش بهره می برد و این امر را از طریق به چالش کشیدن تصویرسازی های خوارج در جامعه محقق می ساخت. ایشان به عنوان رهبر امت اسلامی، با به کارگیری ابزارهای گفتمانی، مذهبی و عملی، تصویری شدیداً منفی از خوارج در اذهان عمومی ترسیم نمود که مبتنی بر سلب مشروعیت ایدئولوژیک، افشای انحرافات فکری و عملی خوارج و نمایش تقابل آنان با ارزش های اصیل اسلامی بود. در این راستا، امام حکومت اسلامی خود را به عنوان «حکومت عدل علوی» معرفی می کرد و با تأکید بر مفاهیمی مانند «عدالت»، «قرآن» و «سنت پیامبر (ص)»، آن را الگوی مشروع حکومت مبتنی بر آموزه های اسلامی قرار می داد که در تقابل مستقیم با ایدئولوژی انحرافی و تفسیر خشک و تکفیری خوارج از دین بود. همچنین، ایشان با شعار «حقوق پایمال شده مظلومان را بازمی ستانم»، حکومت خویش را مدافع محرومان و ستمدیدگان معرفی می نمود و خوارج را به افراط گرایی و تفرقه افکنی متهم می ساخت (خواجهان، ۱۳۷۶، ص. ۴۱). از سوی دیگر، امام اقدامات خشونت آمیز خوارج را به فتنه های تاریخ اسلام تشبیه می کرد و حکومت عدل خود را ادامه دهنده راه پیامبر (ص) معرفی می نمود و از این طریق، پیوندی نمادین میان حکومت خود با آرمان های جهاد و شهادت برقرار می ساخت. در بعد عملی، اجرای برنامه های عدالت محور مانند تقسیم عادلانه بیت المال و حمایت از محرومان، تجلی عینی حمایت حکومت از مستضعفان بود. در عین حال، برخورد مبتنی بر عفو عمومی و مدارای امام با منتقدان غیر مسلحی نشان دهنده رحمت اسلامی و عدالت ورزی ایشان محسوب می شد (زین، ۱۳۸۹، ص. ۶۶).

۳-۴. بهره برداری از مهارت هوش محیطی

مهارت هوش محیطی در رهبری، مهارتی جامع است که تمامی مهارت های لازم را در برمی گیرد. این مهارت علاوه بر داشتن درک دقیق از شرایط مخاطبان، مستلزم سه مؤلفه عملیاتی است: شناسایی عوامل اثرگذار بر جامعه هدف، ایجاد فرصت اثرگذاری و تطبیق روش رهبری با شرایط محیطی. امام در تقابل با خوارج، نمونه ای کارآمد از به کارگیری هوش محیطی را برای تحلیل شرایط، شناسایی نقاط ضعف مخالفان و بهره گیری از منابع داخلی و خارجی ارائه کرد. در اینجا هوش محیطی به معنای توانایی درک پیچیدگی های

سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک و اتخاذ تصمیماتی همسو با حفظ امنیت نظام و تقویت مشروعیت مردمی است. بررسی مواضع و بیانات امام نشان می‌دهد که ایشان با شناخت عمیق از محیط جامعه و اتفاقات جاری مرتبط با خوارج، توانایی اثرگذاری بر محیط را در سه حوزه نشان داد: ترسیم واقعی وضعیت جامعه در سال‌های ابتدایی حکومت اسلامی؛ تحلیل از وضعیت خوارج با استفاده از اطلاعات آشکار و پنهان؛ پیش‌بینی وضعیت آینده جامعه و خوارج. محقق شدن پیش‌بینی‌های ایشان در مورد خوارج، علاوه بر تثبیت کارآمدی ایشان در میان مردم، باعث شد سخنان ایشان به‌دقت از سوی مخالفان رصد و جدی گرفته شود. از سوی دیگر، بیانات امام به مناسبت‌های گوناگون نشان داد که ایشان با انتخاب موضوعات مرتبط و تکرار آن‌ها متناسب با میزان اهمیت، توانایی خود در ایجاد فرصت اثرگذاری و انطباق روش رهبری با شرایط محیطی را به نمایش گذاشت. ابعاد استفاده از هوش محیطی در رهبری امام در قبال خوارج شامل تحلیل دقیق محیط سیاسی و اجتماعی و استفاده هوشمندانه از منابع داخلی است. در بُعد تحلیل، ایشان با درک عمیق شرایط پس از رحلت پیامبر^(ص)، به نقاط ضعف و قوت خوارج پی برد و با تأکید بر «اسلام ناب محمدی»، خوارج را به‌عنوان گروهی منحرف که با ارزش‌های جامعه اسلامی در تضاد است، معرفی کرد (حسنی، ۱۳۷۹، ص. ۵۳). همچنین امام علی^(ع) ضعف مشروعیت مردمی خوارج را به دلیل گرایش آنان به افراط‌گرایی و تضاد با گفتمان عدالت‌محور تشخیص داد و با افشای وابستگی‌شان به قدرت‌های متفرق و همکاری با عناصر فتنه‌گر، خوارج را تهدیدی برای وحدت اسلامی معرفی کرد و حمایت‌های احتمالی از آنان را تضعیف نمود. در بُعد استفاده از منابع داخلی، امام با تکیه بر نهادهای مردمی و یاران وفادار و بسیج اجتماعی، هم‌زمان با مقابله فکری و نظامی، وفاداری جامعه به حکومت عدل را تقویت کرده و حضور گسترده مردم، مشروعیت خوارج را به چالش کشید.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بهره‌گیری از نظریه «قدرت هوشمند» جوزف نای، استراتژی رهبری امام در تقابل با خوارج را تحلیل کرده و نشان می‌دهد که ایشان با ترکیب هوشمندانه قدرت سخت (اقدامات نظامی و قضایی مانند نبرد نهروان) و قدرت نرم (گفتمان‌سازی دینی، افشای ایدئولوژیک و بسیج مردمی) موفق شدند خوارج را به‌عنوان «دشمن داخلی» معرفی کرده و پایگاه اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک آنان را به چالش بکشند. این رویکرد با اقدامات قاطع امنیتی و همچنین افشای انحرافات فکری خوارج در مقابل آموزه‌های اصیل اسلامی همراه بود که مشروعیت این گروه را تضعیف نمود. از سوی دیگر، رهبری الهام‌بخش امام با بهره‌گیری از مهارت‌های کلامی (خطبه‌های شیوا)، رفتار حکیمانه و درک عمیق از شرایط سیاسی-اجتماعی (مدیریت هوش محیطی) جامعه را حول محور دفاع از عدالت بسیج کرد و با استفاده از فضاهایی مانند مسجد کوفه و ارتباط مستقیم با مردم، افکار عمومی را هدایت نمود. سیاست‌های انعطاف‌پذیر ایشان نیز، از جمله تمایز قائل شدن بین سران خوارج و افراد گمراه شده و دعوت از آنان برای بازگشت، نمونه‌ای بارز از تعادل بین قدرت سخت و نرم بود که به کاهش نفوذ خوارج و تقویت انسجام جامعه اسلامی انجامید. این پژوهش ضمن تطبیق نظریه قدرت هوشمند جوزف نای با الگوی رهبری اسلامی، نشان می‌دهد که این نظریه با وجود ریشه‌های غربی، قابلیت انطباق با الگوهای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را دارد. در مجموع، رهبری امام در شرایط پیچیده پس از رحلت پیامبر^(ص) نمونه‌ای عملی از کاربرد قدرت هوشمند در مدیریت بحران‌های امنیتی و حفظ وحدت اسلامی است که نه تنها امنیت امت اسلامی را حفظ کرد، بلکه وفاداری به ارزش‌های الهی را تقویت نمود و الگویی برای تحلیل تعاملات امنیتی در چهارچوب نظریه‌های مدرن رهبری با رویکرد اسلامی ارائه می‌دهد. دستاوردهای عینی این مقاله برای مدیران امروزی به شرح زیر است:

۱. ارائه الگویی عملیاتی ترکیبی: مدیران می‌آموزند در مواجهه با بحران‌های پیچیده ایدئولوژیک-امنیتی، به‌جای تکیه صرف بر زور یا گفتگو، از ترکیب هوشمندانه و مرحله‌ای «قدرت نرم» (گفتگو، اقناع و شفاف‌سازی) و «قدرت سخت» (اقدام قاطع و قانونمند) استفاده کنند و اولویت را به ابزارهای نرم و پیشگیرانه بدهند.

۲. تأکید بر مهارت‌های کلان رهبری: مقاله بر ضرورت تقویت مهارت‌هایی مانند هوش محیطی (درک بافت اجتماعی و سیاسی بحران)، مدیریت اطلاعات و ارتباطات (افشاگری هدفمند و شفاف‌سازی) و ترسیم چشم‌انداز (الهام‌بخشی و جهت‌دهی به افکار عمومی) به عنوان عوامل تعیین‌کننده در مدیریت مؤثر بحران تأکید می‌کند.

۳. غنابخشی به مدیریت بحران با مبانی اخلاقی: مقاله نشان می‌دهد که تلفیق چهارچوب‌های نوین مدیریتی (مانند قدرت هوشمند) با مبانی ارزشی اصیل (مانند عدالت، عفو و مسئولیت‌پذیری) می‌تواند منجر به الگویی بومی، پایدار و مشروعیت‌بخش برای رهبری در شرایط بحرانی شود و از تقلیل‌گرایی صرفاً ابزاری جلوگیری کند.

منابع

- اسفندیاری، اسکندر (۱۳۷۴). پژوهشی درباره طوایف غلاة تا پایان غیبت صغرا و موضع ائمه^(ع) در این باب. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بابایی، راضیه و غفاری هاشجین، زاهد (۱۳۹۸). نقش رهبری سید حسن نصرالله در به کارگیری قدرت هوشمند حزب‌الله در مواجهه با مخالفان. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۷ (۱۴)، ۲۰۳-۲۳۴. https://iws.shahed.ac.ir/article_978.html
- بیضون، لیب (۱۴۱۱). الشیعة فی العالم. دمشق: مکتبة الصدوق.
- حسنی، هاشم معروف (۱۳۷۹). شیعه در برابر معتزله و اشاعره. مشهد: آستان قدس رضوی
- جعفری، حسین محمد (۱۳۸۰). تشیع در مسیر تاریخ. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خواجه‌ویان، محمد کاظم (۱۳۷۶). تاریخ تشیع. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- رحمانی جعفر (۱۳۸۷). امام حسین علیه‌السلام و رهبری بحران از مکه تا کربلا. قم: بی‌تا.
- زین، محمدحسین (۱۳۸۹). شیعه در تاریخ. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شریفانی، محمد (۱۳۹۶). فتنه شناسی و راهکارهای مقابله با آن در کلام امام علی^(ع). پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۵ (۱۹)، ۱۲۵-۱۴۱. <http://noo.rs/jVby1>
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، (۱۳۸۷). غالیان: کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم. مشهد: آستان قدس رضوی.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸) شیعه در اسلام (طبع جدید). قم: بوستان کتاب قم.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). آشنایی با فرق تشیع. قم: حوزه علمیه قم.
- فخری، محمد (۱۳۸۷). تاریخ تشیع از صدر اسلام تا پایان دوره خلفای راشدین. مشهد: ایلیا فخر.
- محمدی، نادر (۱۴۰۰). تهدیدات سخت‌افزاری رژیم صهیونیستی و قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با آن. مطالعات علوم اسلامی انسانی، (۲۵)، ۵۱-۷۱.
<http://noo.rs/VGZYV>
- مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۲). امامان شیعه (ع) و جنبش‌های مکتبی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- معصومی جشنی، عبدالله (۱۳۸۹). قبیله همدان و نقش آن در تاریخ اسلام و تشیع (قرن اول هجری قمری). قم: دلیل ما.
- نای، جوزف (۱۳۸۶). منافع قدرت نرم. ترجمه ناصر بلیغ، مطالعات بسیج، (۳۶)، ۱۰۷-۱۱۶.
<https://www.ensani.ir/fa/article/105776>
- نای، جوزف (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند. ترجمه محمدرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نبی‌لو، عظیم‌اله (۱۳۹۸). حکومت علوی؛ تجلی قدرت هوشمند متعالی، سیاست متعالیه، (۲۶) ۷، ۲۹۱-۳۰۸.
<http://noo.rs/fH1VN>
- نیک طبع، صدیقه (۱۳۹۱). خاستگاه فتنه و راه‌های مقابله با آن از منظر نهج البلاغه. پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، ۵ (۸)، ۱۸۳-۲۰۵.
https://jir.uk.ac.ir/article_628.html
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۱). فرق الشیعه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- Nye, J. S. (1990a). Bound to lead: The changing nature of American power. New York, NY: Basic Books
- Nye, J. (1990b). The Misleading Metaphor of Decline. Atlantic Monthly, March.
<https://www.theatlantic.com/magazine/archive/03/1990/the-misleading-metaphor-of-decline/670360>